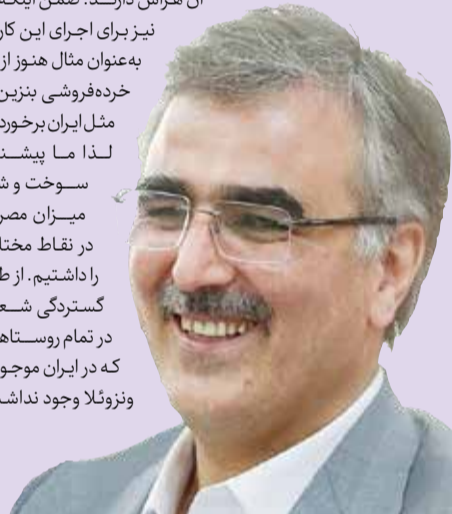


کتاب

تجربه ونزوئلا در اصلاح قیمت حامل‌های انرژی

در سال ۸۹ همراه با آقای علی اکبر محرابیان وزیر وقت صنعت و معدن که ریاست هیأت مشترک ایران و ونزوئلا را بر عهده داشت و دو نفر از همکارانم در معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد سفری به این کشور داشتم. هدف از سفر ما بررسی زمینه‌های اصلاح قیمت حامل‌های انرژی در این کشور بود. در آن سال با ورود به ونزوئلا براحتی می‌شد فقر در برخی از مناطق شهر کاراکاس را مشاهده کرد. از طرف دیگر ناامنی در کشور نیز بسیار مشهود بود. برای مثال کسی جرأت نمی‌کرد با پول به خیابان برود، چون احتمال دزدیده شدن آن بسیار بالا بود. جلسه‌ای با آقای زامیرز که در آن سال وزیر نفت ونزوئلا بود داشتم. جلسه دیگری هم با معاونان او داشتم و سپس جلساتی با رئیس بانک مرکزی و رئیس مرکز آمار ونزوئلا داشتم. آنها از اصلاح قیمت بنزین در دهه ۸۰ میلادی در ونزوئلا تجربه بسیار بدی داشتند. آن اتفاق منجر به شورش‌های خیابانی و کشته شدن تعداد زیادی از مردم ونزوئلا شده بود. قیمت انرژی در ونزوئلا بسیار ارزان بود و یکی از ارزان‌ترین کشورهای جهان در این زمینه به شمار می‌رفت. در آن سال حدود ۲۵ درصد درآمد دولت به یارانه انرژی اختصاص داشت. این باعث شده بود میزان زیادی از بنزین ونزوئلا به بولیوی و حتی امریکا قاچاق شود. البته به دلیل درآمد بالایی که آنها از فروش نفت داشتند، هنوز ضرورت این کار را حس نکرده بودند. در صحبت‌هایم با مسئولان اقتصادی ونزوئلا متوجه شدم، همه آنها علاقه‌مند به انجام این کار هستند، اما از عواقب سیاسی و اجتماعی آن هراس دارند. ضمن اینکه مشکلاتی نیز برای اجرای این کار داشتند. به‌عنوان مثال هنوز از یک نظام خرده‌فروشی بنزین منسجم مثل ایران برخوردار نبودند، لذا ما پیشنهاد کارت سوخت و شناسایی میزان مصرف بنزین در نقاط مختلف کشور را داشتیم. از طرف دیگر گستردگی شعب بانکی در تمام روستاها و شهرها که در ایران موجود است در ونزوئلا وجود نداشت.



کارشکنی امریکایی‌ها در اقتصاد ونزوئلا

مسئله بسیار مهمی که در مورد ونزوئلا اصلاً نباید فراموش شود، مخالفت‌ها و کارشکنی‌های آشکار امریکا در این کشور است. امریکا عملاً در اقتصاد ونزوئلا اختلال ایجاد می‌کند و هرگز هم این موضوع را کتمان نمی‌کند

گزارش

با انتشار این بخش، بررسی کتاب «درس‌هایی از هدفمندی یارانه‌ها»، نوشته مهدی مهرپور به اتمام می‌رسد. در این کتاب که حاوی گفت‌وگو با محمدرضا فرزین دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها در دولت‌های نهم و دهم است، فرزین به تفصیل درباره اجرای طرح هدفمندی‌سازی یارانه‌ها در ایران سخن گفت. وی همچنین مراحل انجام طرح هدفمندی‌سازی یارانه‌ها و پرداخت اولین یارانه نقدی ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی در آذرماه سال ۸۹ را در این کتاب شرح هدفمندی‌سازی یارانه‌ها و هدفمندی‌سازی یارانه‌ها، باید زمینه‌سازی‌ها و مطالعات فراوانی انجام می‌شد. فرزین همچنین به ملاحظات مختلف امنیتی و اجتماعی در قبال از آغاز اجرایی شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها اشاره کرد و بیان داشت که ملاحظات فراوانی در خصوص اجرای طرح هدفمندی‌سازی یارانه‌ها، در نظر گرفته شد. با این حال، وی در این کتاب معتقد بود که با شروع به کار دولت یازدهم، نظریه‌های دولت حسن روحانی نسبت به شیوه اجرای فاز دوم هدفمندی‌سازی یارانه‌ها با دولت قبل متفاوت بود، از این رو شرایط به گونه‌ای پیش رفت که اجرای فاز دوم این طرح عملیاتی نشد و به نوعی بخش قابل توجهی از اهداف این طرح از دست رفت.

جای داد. البته در دوران وی کشور با تورم‌های شدیدی مواجه می‌شود و همین موضوع هم باعث شد تا چاوز که یک مقام نظامی بود در سال ۱۹۹۹ رأی بیاورد.

سیاست‌های کالدرا و چاوز با هم مخالف یا به عبارتی متفاوت بودند؟ بله، کاملاً مخالف بودند. چاوز وقتی روی کار آمد به دلیل نگاه چپی که داشت و از آن جایی که طرفدارانش نیز عموماً طبقات متوسط و فقیر جامعه ونزوئلا بودند نوع سیاست‌ها را به نفع این طبقات تغییر داد. در برخی از این سیاست‌ها نیز خیلی موفق عمل کرد.

می‌یابد که البته یکی از دلایل اصلی آن نیز کاهش درآمدهای نفتی ونزوئلا در این سال‌ها است. از اواخر دهه ۸۰ میلادی به بعد که فردی به نام کالدرا رئیس جمهور ونزوئلا بوده است، این کشور با تورم‌های بالا حتی تورم‌های ۱۰۰ درصدی مواجه می‌شود.

رافایل کالدرا به عنوان رئیس جمهور قبل از چاوز چه تفکراتی داشت؟ می‌توان گفت او یک لیبرال بود؟ نوع سیاست‌های اقتصادی او بسیار متأثر از سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بود. به همین دلیل می‌توان تفکرات وی را در چهارچوب لیبرالیسم اقتصادی

رونق نفتی است. به طور کلی از سال ۱۹۲۰ میلادی یعنی حدود یکصد سال پیش که نفت در این کشور استخراج شد، نفت همواره نقش اساسی در اقتصاد و سیاست این کشور داشته است. ونزوئلا در دهه ۱۹۵۰ جزو کشورهای مرفه امریکای جنوبی و دنیا بوده است. به طوری که در دهه ۱۹۵۰ درآمد سرانه ونزوئلا با درآمد سرانه آلمان برابری می‌کرد. آمار نشان می‌دهد در اواخر سال ۱۹۵۰ از لحاظ درآمد سرانه ونزوئلا چهارمین کشور مرفه دنیا بوده است. البته بعد از تحولات سیاسی که در این کشور اتفاق می‌افتد این کشور دچار مشکلات اقتصادی می‌شود و بدهی آن شدیداً افزایش

بحث اقتصاد ونزوئلا با توجه به ابرتورم موجود در این کشور و مقایسه آن با ایران بسیار چالش برانگیز است. به‌عنوان حسن ختام خوب است به سیاست‌های اقتصادی ونزوئلا در دهه‌های اخیر بویژه از دوران چاوز به بعد در یک بستر تاریخی ارزیابی کنیم. ارزیابی شما از اقتصاد ونزوئلا در چند دهه اخیر بویژه دوران قبل از چاوز چیست؟ ارزیابی این کشور در یک بستر تاریخی، بسیار با اهمیت است. اینکه آیا ساختار اقتصادی ونزوئلا در سال‌های اخیر تا چه حد محصول سیاست‌های این کشور در دوران

کالدرا چگونه رئیس جمهوری بود؟

وی بسیار شخصیت کاریزماتیکي داشت و مقتدرانه عمل می‌کرد. در دوران کالدرا نیز ونزوئلا از ساختاری دموکراتیک همراه با احزاب سیاسی برخوردار نبود. ولسی روابط بسیار خوبی با امریکا داشت.

یعنی دست‌نشانده امریکا بود؟

به هر حال کالدرا شخصیت محبوبی در ونزوئلا داشت، یعنی پشتوانه مردمی هم داشت.

با انتخاب چاوز شرایط اقتصادی ونزوئلا بهتر شد؟

با ریاست جمهوری چاوز که مصادف با سال ۲۰۰۰ است، تورم کاهش می‌یابد و شرایط بهتری در ونزوئلا ایجاد می‌شود. اما صنعت نفت اعتصاب می‌کند و حتی علیه چاوز کودتا می‌شود. به همین دلیل مجدداً اقتصاد ونزوئلا دچار مشکل می‌شود و در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ اقتصاد با نرخ‌های رشد منفی مواجه می‌شود و تورم هم به بالای ۲۰ درصد می‌رسد. اما از سال ۲۰۰۴ به بعد ونزوئلا رشد اقتصادی بالایی را تجربه می‌کند. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۰۴ بر اساس آمار بانک جهانی ونزوئلا شاهد نرخ رشد ۱۸٫۳ درصدی می‌شود.

البته یکی از دلایل آن پایان اعتصابات نفتی و افزایش تولید نفت است. اما این نرخ رشد در سال‌های بعد هم ادامه می‌یابد و در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ به ترتیب نرخ‌های رشد ۱۰٫۳، ۸٫۸، ۸٫۸ و ۵٫۳ درصدی را تجربه می‌کند به طوری که نرخ رشد متوسط ونزوئلا طی این سال‌ها حدود ۸٫۹ درصد بوده است که نرخ رشد بسیار بالایی است. تورم نیز در این سال‌ها تقریباً کنترل شده